



تنبيه‌هايش
شفاي بود.
مي‌گفت كسي را
كتبي تنبيه نكنيد،
شايد توبه كرده
و خدا بخشيده
اما اگر در پرونده
باشد، خوب
نيست.



سوريه براي او خواهد بود. مردم، فرودگاه و بخش‌هايي از حلب مدت‌ها در محاصره تكفيري‌ها قرار داشتند تا اين‌كه بالاخره نيروهاي محور مقاومت اين محاصره را شكستند و حلب را آزاد كردند. زماني كه حلب آزاد شد، عمليات‌هاي بيرون راندن تكفيري‌ها در سوريه به سمت غوطه غربي و غوطه شرقي و اطراف دمشق آغاز شد و در همين راستا الميادين و ديرالزور و بسياري از شهرهاي سوريه از محاصره تروريست‌هاي تكفيري خارج شدند. پس از شكسته شدن محاصره حلب، روس‌ها كهديدند معادلات ميداني در حال عوض شدن است به حاج قاسم اتكا كردند و وارد ميدان شدند. روس‌ها مي‌دانستند كه تدبير و مولفه‌هاي قدرت حاج قاسم در صحنه مبارزه كارساز است. روس‌ها تقريبا از اواخر سال ۲۰۱۵ كه مطمئن شده بودند پيروزي در سوريه از آن جبهه مقاومت است و آمريكايي‌ها در طرح‌هاي خود شكست خورده‌اند، وارد ماجرا شدند و به بقيه پيروزي‌هاي جبهه مقاومت كمك كردند.

● **بوكمال به عنوان نقطه پاياني درگيري محور مقاومت با خلافت داعش در سوريه**

به سوري‌ها گفتند از آمريكا قول مي‌گيريم كه تاخاندان اسدهست، حكومت در سوريه براي اين خاندان باقي بماند؛ سعودي‌ها حتي اعلام كردند با همكاري آمريكا، تحريم‌هاي سوريه را برمي‌دارند و اين کشور را به جايگاه قبلي خود در اتحاديه كشورهاي عرب برمي‌گردانند اما در نهايت با وجود تمامي اين پيشنهادهات وسوسه‌كننده، سوري‌ها زير بار نرفتند و زنجيره جبهه مقاومت را منفصل نكردند. تجارب صدام، قذافي و ديگران پيش روی چشمان حاكمان سوريه است و آنها مي‌دانند هر حاكمي كه تسليم آمريكا شد، بعد از مدتي نابود مي‌شود. يكي از شگردهاي آمريكايي‌ها اين است كه نخست حاكمان كشورها را تسليم مي‌كنند و بعد از تسليم كردن، تمام اعتبارات و امتيازات آنها را مي‌گيرند و پس از مدتي اقدام به حذف‌شان مي‌كنند.

● **آزادسازي حلب به دست نيروهاي محور مقاومت، تاحدزيادي معادلات نبرد سوريه را تغيير داد. اهميت آزادسازي حلب در جبهه سوريه را تشریح كنيد.**

از ابتدا معروف بود كه هر كس حلب را بگيرد